

گزارش

زرگرازابندای تشکیل دولت جمهوری اسلامی در ایران، درزمینه بهداشت و درمان، دارای سمت‌های اجرایی و آموزشی دانشگاهی بوده است. وی همچنین در اولین دوره مجلس شورای اسلامی بارأی بسیار بالایی (حدود ۸۵ درصد آراء) به‌عنوان نماینده حوزه انتخابیه شهریار، اشتهارد و رباطکریم در مجلس انتخاب شد. او در ادوار دوم و پنج مجلس‌نیز،به‌عنوان نماینده‌تهران انتخاب ودر دوره پنجم به‌عنوان عضو هیئت‌رئیسه مجلس فعالیت نموده‌است.سمت‌های مختلف زرگر درگذشته و حال عبارتند از

- وزیر بهداشتی و بهزیستی
- ریاست بخش جراحی بیمارستان موقوفه لولاگر (هلال‌احمر)
- رئیس بیمارستان‌موقوفه‌لولاکر(هلال‌احمر)
- نماینده سه دوره از ادوار مجلس شورایاسلامی (اول، دوم و پنجم)
- عضو هیئت‌رئیسه مجلس
- دبیر اتحادیه بین‌المجالس مجلس شورایاسلامی (۱۳۳۳–۱۳۵۹)
- مشاور وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- نماینده وزیر بهداشتی و بهزیستی در طرح توسعه بیمارستان سینا
- عضویت در هیئت تحریریه مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران
- عضو هیئت‌متنحن‌بورد تخصصی جراحی عمومی
- عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی
- عضو شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی
- مأموریت به برگزاری سمینار بین‌المللی پزشکی به‌فرمان سید علی خامنه‌ای، ریاست جمهوری وقت ایران در سال ۱۳۳۸
- عضو هیئت‌امنای دانشگاه علوم پزشکی سمنان
- عضو کمیته تخصصی پزشکی بالینی گروه پزشکی ستاد انقلاب فرهنگی در ۱۳۶۱
- زرگر دارای تألیفاتی درزمینه پزشکی، شامل کتاب و مقاله در مجلات علوم پزشکی داخلی و خارج است. برخی از آثار او عبارت‌اند از:
- بررسی علل منجر به فوت بیماران ترومایی در بررسی یک‌ساله (۷۲–۱۳۷۱)
- بررسی نیاز شهر تهران به راه‌اندازی مراکز پیشرفته تروما
- بررسی همه‌گیر شناختی (اپیدمیولوژیک) تروماهای مرتبط با وسایل نقلیه در کودکان تهران: تأییدی بر لزوم تدوین و اجرای طرح‌های پیشگیری از تروما
- تروما و مشکلات اقتصادی اجتماعی ناشی از آن

عوامل مرتبط با شدت حوادث ترافیکی منجر به بستری در سرزنشینان وسایل نقلیه چهارچرخ

طرح‌های پژوهشی

- طرح ملی بررسی جامع اتیولوژیک و همه‌گیر شناختی (اپیدمیولوژیک) در سوانح حوادث کشوری و ارزیابی شدت آسیب و میزان کلی موفقیت‌اقدامات‌درمانی‌انجام‌شده در بیماران ترومایی» که در شهر تهران انجام‌گرفته است.
- مطالعه‌دموگرافیک و ارزیابی شدت آسیب در بیماران ترومایی بر مبنای ISS و میزان کلی موفقیت اقدامات درمانی انجام شده به صورت چند مرکزی در سطح شهر تهران
- تعیین میزان شیوع ترومای منجر به مراجعه به بیمارستان در شهر تهران

- بررسی اکتشافی اپیدمیولوژی (همه‌گیرشناسی) مواردغرق‌شدگی‌دردریای خزر طی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۱
- بررسی‌همه‌گیرشناختی آسیب‌های‌ورزشی در ورزشکاران مراجعه‌کننده به درمانگاه فدراسیون پزشکی ورزشی در سال ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳
- بررسی همه‌گیر شناختی ضایعات ناشی از انفجار مین‌های زمینی در استان‌های غربی کشور از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۲
- موسی زرگر، رئیس مرکز تحقیقات تروما و جراحی سینا، عضو هیئت امنای دانشگاه علوم پزشکی سمنان و رئیس بخش جراحی ۴ بیمارستان سینا را در پرنده خود دارد. زرگر همچنین نماینده رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران در کمیته ارتقا، مشاور وزیر بهداشت و عضو هیئت ممیزه دانشگاه علوم پزشکی تهران برای ۶ سال است. او سال‌ها عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدماتی بهداشتی، درمانی تهران و مدیر گروه جراحی دانشکده پزشکی این دانشگاه بود. ■

در سال ۱۳۱۴ دریکی از روستاهای کوچک شهریار به نام حصار طهماسب به دنیا آمد. تا ۱۰ سالگی درهمان روستا بزرگ شد. آن زمان هیچ روستایی مدرسه نداشت. پدرش مکتب‌خانه‌ای در آنجا دایر کرد و از سرخه سمنان یک مدرس (مکتب دار) آمد و معلم شد که نامش میرزا سلیمان سرخه‌ای بود. تا ۱۰ سالگی در آن مکتب‌خانه انشاء، املا، فارسی، عربی و قرآن را کامل خواند و بعد معلم به علت ابتلا به مالاریا فوت کرد. بعد از ایشان دو معلم دیگر آمدند که در آنجا دوام نیاوردند و به همین خاطر پدر مجبور شد برای ادامه تحصیل آن‌ها را به تهران بیاورد.

وقتی به تهران آمد در امتحان ورودی مدرسه شرکت کرد و همان زمان در کلاس سوم ابتدایی قبول شد و بدین ترتیب کلاس اول و دوم ابتدایی را رد کرد. پس از اتمام دوره ابتدایی در مدرسه شریعت، به دبیرستان مروی رفت و پس‌ازآن، همان سال اول در کنکور دانشکده پزشکی پذیرفته و وارد این دانشکده شد. او درباره علت علاقه‌مندی‌اش به رشته پزشکی می‌گوید:

«در آن زمان اصولاً پزشک شدن یک ارزش بود و مرتب به ما در منبرهای گفتند «علم‌الادیان و علم‌الابدان» یعنی علم‌الابدان‌به‌عنوان دومین علم مطرح بود. برخی از پزشکان نیز می‌گفتند علم‌الابدان و پس‌ازآن علم‌الادیان یعنی پزشک شدن یک ارزش بود. گذشته از اینکه پزشکان صاحب زندگی مرهفی می‌شدند و هرکسی دنبال این است که چنین زندگی برای خودش تهیه کند؛ بنابراین من هم به پزشکی یا علم‌الابدان علاقه‌مند شدم. من تنها فرزند خانواده بودم و وقتی کوچک بودم، دو برادرم را از دست دادم. این موضوع هم

برای من انگیزه‌ای بود که به دنبال پزشکی بروم. سال۱۳۳۳ وارددانشکده پزشکی شدو درسال ۱۳۴۰فارغ‌التحصیل شد. پس‌ازآن، بلافاصله به‌عنوان دستیار جراحی بیمارستان سینا پذیرفته‌شد.سال ۱۳۴۱به‌عنوان دستیار جراحی عمومی در بیمارستان سینا مشغول شد و پس‌ازآن موفق به کسب مدرک فوق تخصص جراحی قفسه سینه شد.»
در همان سال‌ها مانند بسیاری دیگر از پزشکان آماده‌رفتن به آمریکا شد و در امتحان ECFMG شرکت کرد. در این امتحان به‌اتفاق دکتر سیم فروش که آن زمان ایترن او بود، قبول شدند. زرگر درباره اینکه چگونه توانست وزیدنت بیمارستان سینا شود می‌گوید: «رزیدنت شدن در بیمارستان سینا نیز آرزوشمند بود و هم اینکه بسیار مهم بود. از سویی دیگر، پدر و مادرم فرزند دیگری نداشتند، به‌خصوص مادرم از اینکه من به آمریکا بروم، بسیار اظهار ناراحتی می‌کرد و این بود که من دستیاری بیمارستان سینا را به آمریکا ترجیح دادم. از سال ۱۳۴۰ تا حدود سه سال پیش که بازنشسته شدم، در بیمارستان سینا بودم؛ یعنی بیش از ۴۵ سال در بیمارستان سینا کارکردم. البته اواسط کارم نماینده مجلس نیز بودم، اما بازمه بیمارستان سینا را رها نکردم. من پارتنی نداشتم و پدرم فردی روستایی ولی بسیار مضطرب بود. نوشتن و خواندن هم بلد بود و بسیار خوب قرآن می‌خواند. او بدون اطلاع من به سراغ پروفسور عدل می‌رود و به او می‌گوید می‌دانم پسرم در امتحان دستیاری بیمارستان سینا قبول نمی‌شود. برای اینکه می‌گویند شما فقط پارتنی دارها را قبول می‌کنید. من یک پسردارم و اگر قبول نشود به آمریکا می‌رود. در آن صورت من و زنم تنها می‌مانیم. مردانگی بکنید و پسر من را قبول کنید.» پروفسور عدل که مرد بسیار بزرگی بود، همان زمان گفت من باید کپی اش را بخوانم. منظور از کپی برگه امتحانی بود. فردا به بیمارستان نجمیه می‌رود و از معاون خود دکتر کیا فرمی خواهد که ورقه موسی زرگر را بیاورد. این فرد از نظر تدین شخصی بسیار محترم و پدرش روحانی بود و مخالف یهودی‌ها نیز بود. وقتی می‌خواستم امتحان بدهم به من توصیه کردند که بالای ورقه‌ام بسم‌الله بنویسم. چون نامم موسی بود، به من گفتند که تصور می‌کند یهودی هستی و حتماً قبولت نمی‌کند. پدرم به ایشان گفته بود که پسرم می‌گوید، امتحان شما را ۲۰ می‌شود. ورقه امتحانی‌ام را مطالعه کردند و دیدند. ۱۰ سؤال را کامل نوشتم‌ام. این سؤال را صریحاً نرسیده‌ام، ولی تلویحاً به این موضوع اشاره کرد که چرا نام من موسی هست. در پاسخ گفته بودند چون امام هفتم ما، امام موسی کاظم (ع) است، نام فرزندم برگرفته از نام ایشان است، ضمن این‌که مسلمانان ضرورت موسی (ع) را نیز قبول دارند.

● ● ● بدین ترتیب زرگر رزیدنت بیمارستان سینا شد و سال ۱۳۴۴ دستیار بیمارستان امام خمینی (ره) شد. سه سال دوره دستیاری قفسه سینه را سپری کرد و در همان زمان در بیمارستان مسلولین، جراحی ریه و سل انجام می‌داد. سه سال بعد دوباره به بیمارستان سینا بازگشت و درزمینه تروما فعالیت کرد. زرگر درباره اینکه چرا تروما را انتخاب کرد می‌گوید:

«آن زمان کلمه تروما برای پزشکان نیز آشنا نبود. طوری شده بود که یکی از دوستان به نام دکتر جزایری نام من را پدر تروما گذاشته بود

درنگ

اولین استادی که تیغ جراحی به دستم داد

به عنوان اترن جراحی در بیمارستان سینا در اتاق عمل با کمال تعجب افتخار پیدا کردم که اجازه یابم در عمل رفع فشار بر شبکه بازاریبی با استاد بزرگ جراحی که از نظر من استاد اخلاق در طب نیز بودند دست شسته و در عمل مشارکت نمایم. در حقیقت اولین استادی که چاقوی جراحی را به دست من داد استاد دکتر زرگر بود که طرز گرفتن چاقوی جراحی و روش شکاف پوست و بخیه



و این به این دلیل بود که من مرکز تحقیقات تروما را دایر کردم و تصمیم داشتم در بیمارستان سینا بخش تروما را دایر کنم که بودجه نرسید و فقط ۱۴ طبقه‌ای را که در بیمارستان سینا بود تعمیر کردم. شکل فعلی بیمارستان سینا نتیجه زحمات چندین ساله من است که شاید بیشتر از ۱۰ سال طول کشید. ● ● ●

زرگر می‌گوید بیشترین استادی که نقش الگو را برایش داشته پرفسور عدل است.

«پروفسور عدل خصوصیتی داشت که تقریباً حالت تربیت نظامی به دستیارانش القا می‌کرد. به‌طوری‌که رزیدنت سال دو ناچار بود به رزیدنت سال سه احترام بگذارد. تنها احترام من به استاد نبود، احترام ایترن به رزیدنت هم وجود داشت. این‌یک فرمول کلی بود که آن مرحوم در آنجا دایر کرده بود و همیشه حق را به کسی می‌داد که سطح علمی‌اش بالاتر بوده‌بنابراین استادان من دکتر کیافر، دکتر نصیرپور، دکتر افراسیاب، دکتر فلسفی و سایر اساتید بودند که اکثر شان فوت کردند ولی دکتر فلسفی هنوز زنده است. این اساتید همیشه مورداحترام من بودند و همیشه سر نماز برایشان دعامی‌کنم.» او بعدها استادیار و پس‌از آن دانشیار و مدیر گروه شد، بین ۱۳ تا ۱۵ سال مدیر گروه جراحی بود. بسیاری از جراحان کنونی از شاگردان همین دوران از زندگی او محسوب می‌شوندمانند دکتر جعفریان که در حال حاضر رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران است، دکتر ظفر قنبدی، دکتر یعقوبی، دکتر احمدی، دکتر سلیمی، دکتر معینی، دکتر رویفگری، دکتر عباسی هم از جمله این اساتید هستند. ● ● ●

موسی زرگر مهم‌ترین اتفاقات دوران مدیریتش در گروه جراحی را تربیت جراحانی زیردست می‌داند و می‌گوید:

«مهم‌ترین تحول این‌بود که جراحان‌توانمند تربیت کردم،نه جراحان تئوریک؛ یعنی جراحانی تربیت کردم که دست جراحی قوی دارند. روی این موضوع تأکید زیادی داشتم که تعداد عملی‌که این‌ها در طول دوران دستیاری انجام می‌دهند، بسیار زیاد باشد. برای همین بسیار سخت‌گیر بودم‌که این دانشجویان‌در کلاس‌های‌تئوری شرکت کنند و در کشیک‌ها نیز همه ساعات در اتاق عمل یا بالای سر بیمار

بااستادموسی زرگر دومین وزیر بهداشتی ج

خوشحالم که جراحان‌توانمندتر بیت‌ک

- حمیده طاهری

«من خیلی به شعر مخصوصاً به حافظ علاقه دارم وقتی به درونم مراجعه می‌کنم به این شعر حافظ می‌رسم:

عمر بگذشت به بی‌حاصلی و بوالهوسی ای پسر جام می‌آمده که

به پیری برسی

یعنی تا به پیری نرسی، چیزی نمی‌شوی که البته منظور پیری در جوانی است. حافظ هم‌زمانی که حضرت خضربا ایشان روبرو شد، حافظ شد و تا آن زمان حافظ نبود. بنابراین به پیری رسیدن کار بسیار مشکلی است.»

موسی زرگر از ریش‌سفیدان و پیشکسوتان بااخلاق جامعه پزشکی است او دومین وزیر بهداشتی ایران بعد از انقلاب است. یکی از پزشکانی که سهم زیادی در تربیت نسل جدیدی از جراحان دارد، حالا در آستانه ۸۱ سالگی بیمار است و چندان حال خوشی ندارد . نگاهی گذرا به زندگی او نشان می‌دهد که هرچند او فرد صاحب سبکی در سیاست بوده است، اما هیچ موقع در انتخابات خود و جاهایی که وابسته به تصمیم‌گیری ایشان بوده است، بر اساس خط سیاست عمل نکرد. بلکه همه این تصمیمات بر اساس عدالت و مصالح ملی بوده و همه به این موضوع اذعان دارند که دکتر زرگر هیچ‌وقت خطی و گروهی حرکت نکرده است.او بیش از ۴۵ سال در بیمارستان سینا کارکرد و همیشه به حسن اخلاق و نیک‌رفتاری و نیک منشی شهره بوده است. او خودش می‌گوید:(این الگو را من از برادرم دکتر شیبانی یاد گرفتم. دکتر شیبانی درجایی که غیبت باشد نمی‌نشیند و می‌رود. من از او یاد گرفتم که هیچ‌وقت نسبت به افراد بدبین نباشم و حرف‌هایم را روبه روی آن‌ها بگویم. این اصل اساسی اسلام است. چراکه غیبت کردن مانند خوردن گوشت میت است.)

این مطلب به پاس بیش از ۵۵دوره طبابت مردی است که بی هیچ چشمداشتی به فداست حرفه‌اش پای‌بند ماند. این زندگی‌نامه به دلیل کسالت استاد با کمک از سایر منابع مکتوب درباره ایشان تدوین شده است تا بتواند معرفی و یاری از شخصیت علمی ایشان باشد.

کتک خوردم و راهیمایی‌های بسیاری رفتم.

روز ۳۰ تیر میدان بهارستان بودم. در دوره ۴۰ ساله فعالیت‌های سیاسی‌ام، سه دوره نماینده مجلس و هیئت‌رئیسه و همچنین رئیس دفتر بین‌المجالس بودم. باوجوداینکه قبل از انقلاب اجازه نداشتم‌به هیچ کشوری بروم و فقط توانستم‌مکه بروم، ولی بعدازانقلاب چون رئیس دفتر بین‌المجالس بودم، تقریباً به هر کشوری که بین‌المجالس در آن تشکیل می‌شد رفتم‌ام. ● ● ●

او دومین وزیر بهداشتی بعد از انقلاب است. سال ۵۸ دکتر سامی که استعفا می‌دهد او به وزارت می‌رسد، منصبی که زرگر می‌گوید به‌اجبار آن را قبول کرده است.

«زیر بار وزارت نمی‌رفتم، من را خدمت حضرت امام بردند. مرحوم دکتر بهشتی و مرحوم دکتر باهنر می‌خواستند هر طور که شده من را وزیر کنند و من را نزد امام خمینی (ره) بردند. امام پرسید فرزندم چرا قبول نمی‌کنید؟ گفتم شما فرمودید تا تزکیه نشده‌ید پست قبول نکنید و من هنوز تزکیه نشده‌ام؛ بنابراین پست قبول نمی‌کنم. در تانی من اصلاً وزارت بلد نیستم. ایشان از مرحوم دکتر بهشتی پرسید، چرا شما اصرار دارید ایشان وزیر شوند؟ فرزندم شفاف می‌گوید که تزکیه نشده است و نمی‌تواند پست قبول کند. مرحوم دکتر بهشتی گفت ایشان خیرالموجودین و بهترین است؛ بنابراین ما می‌خواهیم وزیر شوند. دکتر باهنر هم تأکید کرد و من مجبور شدم به وزارتخانه بروم. البته امام گفت شما برنده شدید، برای اینکه اگر کار خراب شود از قبل گفتید که کار بلد نیستید و اگر خوب پیش برود یک ثواب برای شما است و یک ثواب برای ما. همین‌الآن هم که به ۸۰سالگی رسید‌ام، فکر نمی‌کنم تزکیه شده باشم. تزکیه شدن پیرایش از همه خواسته‌های درونی و داشتن یک زندگی معنوی است. دوست داشتن اسلام به معنای واقعی کلمه است و کسی که تزکیه شده باشد، حاضر است خون خود را درراه اسلام و جهاد اهداء کند. تزکیه از نظر اخلاق و ینش بسیار مفصل است ولی تا وقتی که فردی حاضر نشود خود و خانواده‌اش را فدای اسلام کند، هنوز تزکیه نشده است.

از کسانی که دیدم و عاشقشان بودم و دوست داشتم‌الآن زنده بودند

زند را به من آموخت. همین که ایشان به یک اترن ساده اجازه مشارکت در عمل داد برای یک دانشجوی پزشکی شخصیت قائل شدند برام خیلی مهم بوده و تا‌زگی داشت و علاقه بنده به جراحی از همان زمان شروع شد. به همین دلیل من امروز شخصاً در تدریس دانشجویان پزشکی فعال هستم و سعی می‌کنم در ایشان اعتماد به نفس ایجاد نموده و کلاس‌هایم با مشارکت خود دانشجویان انجام شود و بیشتر به جای درس تئوری، دانشجویان را در کلینیک‌ها و سایر مکان‌های عملی آموزش مشارکت می‌دهم. افتخار داشتم در بیمارستان ۱۷ شهریور در کشیک

جراحی در کنار استاد باشم و برخورد با اورژانس‌های طب مثل تصادفات و آپاندیسیت و شکم حاد را از ایشان تلمذ کنم. مهم‌ترین و بارزترین خصیصه ایشان در آن زمان قبل از انقلاب علاقه‌مندی ایشان به نماز و دین بود که تأثیر بسزایی در زندگی پزشکی و اجتماعی من گذاشت و به گفته مولا علی (ع) هر کس به من چیزی بیاموزد مرا بنده خود کرده لذا تا پایان عمر مدیون ایشان هستم و هر خدمت پزشکی که انجام دهم ان شاء ….. ایشان سهم بوده و خواهند بود. از خداوند متعال سلامت طول عمر ایشان و تداوم راه ایشان در آموزش اخلاقی طب را آرزو مند‌م. ■